



ماشین اعدام ایران

چطور جنگ، به افزایش سرکوب و اعدام مخالفان انجامید

خرداد ۱۴۰۵

اعدام معترضان و زندانیان سیاسی در ایران سرعتی بی سابقه گرفته است. پس از شروع جنگ نظامی اسرائیل و آمریکا علیه ایران، تاکنون ۳۸ زندانی با اتهام‌های سیاسی و امنیتی در ایران اعدام شده‌اند. پانزده نفر از اعدام‌شدگان از بازداشت‌شدگان اعتراضات ماه ژانویه در ایران بوده‌اند که در روندهای نامعلوم قضایی و در زمانی کمتر از سه‌ماه از زمان دستگیری به اعدام محکوم شده و حکمشان اجرایی شده است. صالح محمدی، مهدی قاسمی، سعید داوودی، امیرعلی میرجعفری، عرفان کیانی، ساسان آزادوار، علی فهیم، امیرحسین حاتمی، شاهین واحدپرست، محمدمین بیگلری، ابراهیم دولت آبادی، محمدرضا میری، مهدی رسولی، محمد عباسی و عباس اکبری فیض‌آبادی، پانزده معترضی هستند که در ارتباط با [اعتراضات ماه دی](#) اعدام شدند.

شش نفر از اعدام‌شدگان به نام‌های وحید بنی‌عامریان، ابوالحسن منتظر، محمد تقوی، اکبر دانشورکار، بابک علیپور و پویا قبادی نیز به اتهام عضویت در و فعالیت برای سازمان مجاهدین خلق اعدام شدند. حکم اعدام این زندانیان در آذر ۱۴۰۳ به اتهام «بغی از طریق عضویت در گروه‌های مخالف نظام» صادر شد اما این حکم در تیرماه سال گذشته، از سوی دیوان عالی کشور نقض و پرونده این زندانیان به شعبه هم‌عرض ارجاع داده شده بود. در اواخر آبان ۱۴۰۴، این زندانیان مجدداً در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری محاکمه شدند. حکم اعدام آن‌ها نیز در ۱۶ آذر همان سال، توسط شعبه مذکور صادر و به وکلای آن‌ها ابلاغ شده بود. به گزارش هرانا، ابوالحسن منتظر و سید محمد تقوی، از زندانیان سیاسی دهه شصت بودند و وحید بنی‌عامریان، پویا قبادی و بابک علی‌پور نیز پیش از این بابت فعالیت‌های خود سابقه محکومیت و تحمل زندان را داشتند.

سلطانعلی شیرزادی نیز به اتهام عضویت و ارتباط با سازمان مجاهدین خلق اوایل اردیبهشت ۱۴۰۵ اعدام شد. این درحالی است که او سال‌ها قبل از این گروه جدا شده و با میل و اراده خود به ایران سفر کرده بود. با اینحال و علیرغم موجود بودن اطلاعات و اسناد در مورد قطع عضویت او با سازمان مجاهدین، سیستم قضایی جمهوری اسلامی او را دستگیر کرد و سپس در میانه جنگ اعدام کرد.

همچنین محراب عبداللّه‌زاده، شهروند کرد اهل ارومیه و از بازداشت‌شدگان اعتراضات زن، زندگی، آزادی که در مهرماه ۱۴۰۱ توسط نیروهای امنیتی دستگیر شده بود، در سیزدهم اردیبهشت ۲۰۲۶ اعدام شد. قوه قضاییه اعلام کرد که این زندانی متولد سال ۱۳۷۶ در ارومیه به اتهام «افساد فی‌الارض» در ارتباط با کشته شدن عباس فاطمیه، عضو پایگاه مقاومت بسیج نوشین‌شهر، به اعدام محکوم شد. محراب عبداللّه‌زاده در نامه‌ای از زندان که کمی پیش از شروع جنگ در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد نوشت: «من را در اعتراضات سال ۱۴۰۱ توسط سپاه در ارومیه دستگیر کردند و ۲۵ سالم بود که زندانی شدم. از روز اول دستگیری به زور شکنجه و تهدید از من اعترافاتی گرفتند که همه‌اش کذب بود و هیچ کدام از اتهام‌هایی که به من نسبت دادند حقیقت ندارد. این را هم خودشان می‌دانند و هم خدا که من بی‌گناه هستم.»

سازمان «عفو بین‌الملل» روز هجدهم می در [گزارش سالانه تازه](#) خود اعلام کرد جمهوری اسلامی در سال ۲۰۲۵ میلادی با دست‌کم ۲۱۵۹ اعدام، بالاترین آمار ثبت‌شده اعدام در جهان را به خود اختصاص داده است؛ آماري که بیش از دو برابر سال ۲۰۲۴ توصیف شده است. عفو بین‌الملل اعلام کرده بخش عمده افزایش جهانی اعدام‌ها به اجرای احکام در ایران توسط جمهوری اسلامی مربوط می‌شود و حکومت ایران به تنهایی «سهم اصلی این جهش آماری» را در دست دارد.

موج گسترده اعدام و سرکوب در ایران همچنان ادامه دارد و گزارش‌های رسیده به فمنا نشان می‌دهد ابعاد سرکوب در داخل ایران بسیار فراتر از اخبار منتشر شده در رسانه‌هاست و به دلیل قطعی اینترنت بسیاری از اخبار مرتبط با دستگیری منتشر نمی‌شود.

یک روزنامه‌نگار در ایران به فمنا گفته است: «مردم را در ایست بازرسی‌هایی که به بهانه جنگ در سطح شهر برپا کرده‌اند، متوقف و گوشی‌هایشان را چک می‌کنند، پسر بیست و هفت‌ساله درحالی که سرکار می‌رفته در ایست بازرسی به خاطر محتوای موبایلش دستگیر شده و الان یک ماه است در زندان تهران بزرگ است.»

این روزنامه‌نگار همچنین به فمنا گفت: «در سراسر شهر نیروی نظامی و اسلحه‌های سنگین در معرض دید عموم است. در میدان ونک سه تا تیربار دوشکا سه طرف میدان مستقر کرده‌اند برای اینکه وحشت و ترس را در جامعه حاکم کنند.»

یک روزنامه‌نگار دیگر در تهران به فمنا می‌گوید: «شرایط جنگی و قطعی اینترنت باعث شده تا اخبار بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه چندان مورد توجه قرار نگیرد در حالی که اکثر دستگیرشدگان همچنان در زندان و شرایط سخت هستند و احکام سنگینی برایشان صادر می‌شود.»

در سه ماه گذشته و با شروع جنگ، جمهوری اسلامی علاوه بر اعدام بازداشت‌شدگان مرتبط با اعتراضات دی‌ماه، و با اتهامات سیاسی، شمار دیگری را نیز با اتهام «جاسوسی برای اسرائیل» اعدام کرده است. پرونده بسیاری از این اعدام‌شدگان با اتهام جاسوسی پر از ابهامات قضایی است و مشخص نیست اتهامات وارد شده به آنها برچه اساسی بوده است. کوروش کیوانی، یعقوب کریم‌پور، ناصر بکرزاده، مهدی فرید، محمد معصوم‌شاهی، حامد ولیدی، عامر رامش، کوروش کیوانی، احسان افراشته، عبدالجلیل شه‌بخش، عرفان شکورزاده، مجتبی کیان، غلامرضا خانی شکراب، رامین ذله و کریم معروف‌پور از جمله کسانی هستند که با اتهامات امنیتی و جاسوسی اعدام شده‌اند.

در این گزارش ما بطور مفصل به پرونده اعدام‌شدگان مرتبط با اعتراضات دی‌ماه در ایران پرداخته‌ایم. در بخش دوم گزارش پرونده کسانی را که حکم اعدامشان در دیوان عالی کشور تایید شده و در خطر قریب الوقوع اعدام قرار دارند پررنگ کرده‌ایم. فمنا در گزارش دیگری به پرونده معترضان خواهد پرداخت که در دادگاه اولیه حکم اعدامشان صادر شده است و یا با اتهاماتی مواجه هستند که ممکن است حکم اعدام برایشان به همراه داشته باشد.

پرونده کشته شدن مامور فراجا، میدان نبوت قم



صالح محمدی: کشتی‌گیر ۱۹ ساله و ساکن قم، روز ۲۵ دی‌ماه توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. او سپس توسط دادگاه کیفری یک استان قم به ریاست قاضی سید محمد ابراهیم پور موسوی به اتهام «قتل عمد» به اعدام در ملا عام از طریق چوبه دار محکوم شد. صالح محمدی متهم شده بود که در شب هجدهم دی ۱۴۰۴، در میدان نبوت قم در کشته شدن مامور یگان ویژه فراجا نقش داشته و متهم اصلی بوده است. طبق گزارش پزشکی قانونی، ۲۹ جراحات بر بدن مقتول ثبت شده که جراحات شماره هشتم به عنوان آسیب موثر در کشته شدن مامور معرفی شده است. جراحاتی که به صالح محمدی نسبت داده شد.

مبنای نسبت دادن این اتهام، اقرارهای اخذشده در بازجویی اعلام شد. در حالی که او بعداً اتهام قتل را رد کرده و اقرارها را تحت فشار و شکنجه دانسته بود. همچنین طبق گزارش‌ها هیچ‌کدام از دوربین‌های امنیتی چهره او را ثبت نکرده بودند. دادگاه برای صدور حکم به شهادت افرادی استناد کرد که هویت هیچ‌یک مشخص نبود، در اینحال از احضار شاهدانی که شهادت می‌دادند صالح در زمان وقوع قتل در منزل عمویش بوده است، خودداری کرد.

فاصله میان بازداشت صالح محمدی تا زمان اجرای حکم اعدام، تنها دو ماه و سه روز بود. این درحالی است که در پرونده‌های با حکم اعدام، وکلای متهم می‌توانند حتی پس از قطعی شدن حکم در دیوان عالی کشور نیز بار دیگر درخواست توقف اجرای حکم و اعاده دادرسی را مطرح کنند.

صالح محمدی در روز بیست‌و‌هشتم اسفند ۱۴۰۴ همانطور که در حکم اولیه آمده بود در ملاعام اعدام شد. بعد از اعدام پیکر صالح محمدی به خانواده تحویل نشد ماموران امنیتی عصر جمعه ۲۹ اسفند به خانواده اطلاع دادند که محل دفن فرزندشان بهشت معصومه قم است. [بازسازی صحنه قتل](#)

سعید داوودی: سعید داودی در جریان اعتراضات ۱۸ و ۱۹ دی در قم بازداشت شد و دو ماه و ده روز بعد در میانه جنگ و در سکوت خبری اعدام شد. حتی نام سعید داودی هم پیش از اعدامش در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مطرح نشده بود و تنها تصویری که از او در دست است از [ویدیو دادگاه](#) است. او هم پرونده صالح محمدی بود و در شعبه یک دادگاه کیفری قم محاکمه شد.

در گزارشی از دادگاه که سعید داودی در آن در جایگاه متهم ایستاده نماینده دادستان قم به سعید که مترصد دفاع از خود است اجازه حرف زدن نمی‌دهد و فقط از او تایید گفته‌های خود را درباره یک «شمشیر سامورایی» را می‌خواهد. در دادگاه سعید با

اتهام قتل یک مأمور فراجا محاکمه می‌شود، درحالی که سعید در نهایت بنابر اعلام قوه قضاییه نه به اتهام قتل مأمور که با اتهام محاربه محکوم به اعدام می‌شود. او سه روز پیش از آن که در اول فروردین ۱۴۰۵ به ۲۲ سالگی برسد اعدام شد.

مهدی قاسمی دو روز مانده به سال نوی ایرانی و در بیست و هشتم اسفند ۱۴۰۴ اعدام شد. او که در اعتراضات ۱۸ دی در قم دستگیر شده بود در بازداشتگاه نصر وابسته به اطلاعات سپاه زندانی بود. براساس گزارش‌های کمیته پیگیری بازداشت‌شدگان، در مراحل اولیه مهدی قاسمی با اتهام «محاربه» مواجه بود، اما در نهایت به‌اتهام مشارکت در قتل یک مأمور نیروی انتظامی هم به محاربه و هم به قصاص محکوم شد. او به همراه صالح محمدی و سعید داوودی در یک پرونده مشترک در شعبه یک دادگاه کیفری استان قم محاکمه شدند.

پرونده پایگاه بسیج ۱۸۵ شهید محمود کاوه



امیرحسین حاتمی: معترضی که در زمان دستگیری هفده‌ساله بود، در ۱۳ فروردین ۱۴۰۵ اعدام شد. او متولد سال هشتاد و شش خورشیدی بود و در هجدهم دی‌ماه ۱۴۰۴ در تهران به همراه شش نفر دیگر به اتهام آتش زدن یک پایگاه بسیج- «پایگاه بسیج ۱۸۵ شهید محمود کاوه»- در حوالی خیابان نامجو در شرق تهران دستگیر شد. او از زمان دستگیری در سلول انفرادی در زندان قزلحصار نگهداری شد و از حق داشتن وکیل انتخابی محروم بود. او سپس توسط شعبه پانزده دادگاه انقلاب به ریاست ابراهیم صلواتی به اتهام «محاربه، افساد فی‌الارض، تحریق وسایل و امکانات مورد استفاده عمومی و اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت داخلی و خارجی» محاکمه و به اعدام محکوم شد. حکم اعدام او ۱۸ بهمن‌ماه ۱۴۰۴، یعنی دقیقاً ۳۰ روز پس از بازداشت، صادر شد.

براساس گزارشی که [دویچه وله فارسی](#) منتشر کرده است، بعد از صدور حکم اولیه، خانواده متهمان این پرونده توانستند چند وکیل مستقل حقوق بشری را برای دفاع از این پرونده در مرحله دیوان عالی به خدمت بگیرند. طبق این گزارش قاضی دیوان عالی پس از رویت فیلمی که نشان می‌دهد متهمان این پرونده دخالتی در به آتش کشیدن پایگاه بسیج نداشتند، از تایید حکم اعدام خودداری می‌کند اما با فشار مأموران امنیتی بر قضات دیگر حکم اعدام چهار نفر از هفت فرد دستگیر شده تایید و اجرا می‌شود. امیرحسین حاتمی یکی از این چهار نفر بود که در زمان اعدام هجده‌ساله بود.

براساس ویدیو اعترافات اجباری که از متهمان این پرونده در بخش خبری صداوسیما پخش شد، آنها می‌گویند که در زمان ورودشان به پایگاه هیچ آتشی وجود نداشت، اما پس از ورود کسانی اقدام به آتش زدن ورودی کردند و امکان خروج آنان مختل شد. این هفت نفر در حالیکه هیچ امکان خروجی از ساختمان نداشتند، ناچار در پشت بام پناه می‌گیرند و در نهایت با

رسیدن آتش‌نشانی و نیروهای امنیتی در همانجا دستگیر می‌شوند. نکته مهم اینکه حتی در ویدیوی اعترافات اجباری نیز هیچ‌یک از آنان به آتش زدن پایگاه و تخریب اموال عمومی اعتراف نمی‌کنند.

شاهین واحدپرست کلور: ۳۰ ساله در روز هجدهم دی‌ماه دستگیر شد. او یکی از هفت متهم پرونده آتش زدن پایگاه بسیج ۱۸۵ شهید محمود کاوه» است که در روز ۱۶ فروردین ۱۴۰۵ اعدام شد. او توسط شعبه پانزده دادگاه انقلاب تهران به ریاست ابوالقاسم صلواتی به اعدام محکوم شد. از پرونده او اطلاعات چندانی در دست نیست. او نیز مانند دیگر متهمان این پرونده از زمان دستگیری به مدت سی‌وپنج روز در اختیار اطلاعات سپاه قرار داشت و سپس به سلول انفرادی زندان قزلحصار منتقل شد و تا زمان دادگاه از حق ملاقات و تماس با خانواده‌اش محروم بود. او در دادگاه بدوی از حق داشتن وکیل مستقل محروم ماند.

محمدامین بیگلری: دیگر متهم این پرونده بود که در زمان دستگیری نوزده سال داشت. او تک فرزند خانواده بود. بیگلری نیز توسط اطلاعات سپاه دستگیر شد و پس از بازداشت به مدت سی‌وپنج روز در بازداشتگاه اداره اطلاعات سپاه تحت بازجویی قرار داشت. او سپس به سلول انفرادی در زندان قزلحصار منتقل شد. محمدامین بیگلری به همراه سایر متهمان این پرونده در شعبه پانزده دادگاه انقلاب به ریاست ابوالقاسم صلواتی محاکمه شد و حکم اعدام دریافت کرد. پرونده او سپس به دیوان عالی کشور ارسال شد و در نهایت در تاریخ شانزده فروردین ۱۴۰۵ حکم اعدام در مورد او اجرا شد. کوتاه بودن زمان بازداشت تا اجرای حکم در مورد پرونده معترضان دستگیر شده در اعتراضات ۱۴۰۴، این حقیقت را تایید می‌کند که دستگاه قضایی ایران روند دادرسی عادلانه را از این افراد دریغ کرده است. هیچ‌کدام از متهمان در دادگاه بدوی امکان داشتن وکیل تعیینی را نداشتند و وکیل مستقل حقوق بشری تنها زمانی در پرونده ورود پیدا کرد که حکم اولیه اعدام صادر شده بود.

علی فهیم: از معترضان بازداشتی دی‌ماه و چهارمین متهم پرونده آتش‌سوزی پایگاه بسیج کاوه، در روز ۱۷ فروردین ۱۴۰۵ اعدام شد. او در زمان دستگیری ۲۳ ساله بود. در [تصاویری](#) از دادگاه او به همراه سایر متهمان این پرونده پس از اعدام آنان منتشر شد، از او به عنوان عامل دشمن که قصد ورود به اسلحه خانه پایگاه بسیج را داشت نام برده شده است. در این پرونده «ابوالفضل صالحی سیاوشانی» همچنان با خطر اعدام روبروست و طبق گزارش‌ها حکم اعدام او نیز در دیوان عالی کشور تایید شده است. همچنین دو متهم دیگر این پرونده به نام‌های «شهاب زهدی» و «یاسر رجایی» نیز که در دادگاه بدوی حکم اعدام دریافت کرده بودند، همچنان در شرایط نامعلومی هستند و با توجه به قطع اینترنت در ایران و محدودیت اطلاع‌رسانی مشخص نیست که حکم اعدام آنها در چه مرحله‌ای قرار دارد.

پرونده آتش زدن مسجد قلعهک



امیرعلی میرجعفری: در روز اول اردیبهشت ۱۴۰۵ اعدام شد. پیش از آنکه خبر اعدام او توسط رسانه‌های نزدیک به حکومت منتشر شود، هیچ خبری در مورد دستگیری او منتشر نشده بود. این مساله نشان می‌دهد که فشارهای امنیتی بر خانواده‌های دستگیرشدگان اعتراضات به قدری زیاد است که بسیاری از خانواده‌ها و نزدیکان دستگیرشدگان حاضر به همکاری با سازمان‌های حقوق بشری برای رسانه‌ای کردن نام عزیزانشان نیستند.

طبق [گزارش](#) رسانه‌های نزدیک به حکومت، امیرعلی میرجعفری هجدهم و نوزدهم دی‌ماه در اعتراضات شرکت کرده بود و به آتش زدن مسجد قلعهک، تخریب اتوبوس، آتش زدن موتورسیکلت ماموران فراجا متهم شده بود. ادعای آتش زدن مسجد بعدتر با ویدیوهایی که توسط شهروندان از این مسجد فرستاده شد، زیر سوال رفت. ویدیوها نشان می‌داد که مسجد قلعهک هیچ آسیبی ندیده است و ادعای آتش گرفتن آن حقیقت ندارد. روزنامه گاردین در گزارشی اشاره کرده که او تکنسین کامپیوتر بوده است، اما منبع این ادعا هم مشخص نیست.

شبهه من‌وتو با دو نفر که خود را از آشنایان او معرفی کرده‌اند، گفت‌وگویی را انجام داد؛ به گفته آن‌ها، امیرعلی همراه مادر و مادر بزرگش زندگی می‌کرده و یک هفته پیش از اعدام، به خانواده او گفته شده بود که هفته بعد آزاد خواهد شد.



عرفان کیانی: در تاریخ پنج اردیبهشت ۱۴۰۵ اعدام شد. خبر اعدام او اولین بار توسط قوه قضاییه اعلام شد و رسانه‌های وابسته به حکومت در ایران او را تروریست خطاب کردند. در [فیلمی](#) که از اعترافات اجباری او پخش شده است، عرفان کیانی با دستبند و پابند دیده شده و می‌گوید که در اعتراضات حضور داشته و به همراه دیگر معترضان اقدام به حمل چاقو و همینطور بستن خیابان کرده‌اند. در گزارش صدا و سیما و همینطور اعترافات او هیچ شاهدهی مبنی بر آسیب رساندن او به فرد یا افرادی وجود ندارد.

طبق گزارش رسمی پخش شده از صدا و سیما، او توسط وزارت اطلاعات در اصفهان دستگیر شده است. اما از محل زندانی بودن وی، شعبه رسیدگی به اتهامات او و روند قضایی پرونده‌اش اطلاعات بیشتری در دست نیست. او در ویدیوی منتشر شده توسط رسانه‌های وابسته به حکومت در اواخر دهه بیست و یا اوایل دهه سی زندگی‌اش به نظر می‌رسد.



ساسان آزادور: بیست و یک ساله و قهرمان کاراته کیوکوشین، در ۱۳ دی‌ماه ۱۴۰۴ در اصفهان بازداشت شد. بازداشت او پیش از فراخوان هجدهم و نوزدهم دی‌ماه صورت گرفت. او سپس توسط شعبه اول دادگاه انقلاب اصفهان به ریاست قاضی کاظمزاده با اتهام محاربه به اعدام محکوم شد. خبرگزاری میزان وابسته به قوه قضائیه در گزارشی نوشته بود: «ساسان آزادور، در یکی از خیابان‌های اصفهان در حالیکه نیروهای انتظامی داخل خودرو بوده‌اند با سنگ و چماق به مینی‌بوس حامل ماموران و همچنین مینی بوس‌های عمومی شهری حمل‌ور شده و شیشه‌های خودروها را شکسته است، با حضور نیروهای حافظ امنیت از محل گریخته است، اما مجدداً اقدام به پرتاب سنگ و آجر به سوی ماموران کرده است.» طبق همین گزارش او هیچ آسیبی به شخص و یا اشخاصی وارد نکرده است و تنها به دلیل پرتاب سنگ و تخریب شیشه‌های چند ماشین با حکم اعدام مواجه شد. حکمی که با اعتراض او به شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور ارسال و عیناً تایید شد. و در نهایت در دهم اردیبهشت ۱۴۰۵ در زندان دستگرد اصفهان به اجرا درآمد.

افزون بر حکم اعدام، او در پرونده‌ای دیگر با اتهام «تبلیغ علیه نظام» به ۱۵ ماه حبس، به اتهام «اغوا یا تحریک مردم به جنگ و کشتار با یکدیگر به قصد برهم زدن امنیت کشور از طریق تشویق دیگران به اغتشاش و آشوب در کشور در فضای عمومی و مجازی» به ۷ سال زندان و از بابت اتهام «اهانت به رهبری»، به ۲۵ ماه حبس محکوم شده بود.

پرونده خیابان طبرسی مشهد



ابراهیم دولت‌آبادی: از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه در مشهد و پدر دو فرزند نه و چهارده ساله، در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۵ اعدام شد. او در شعبه یک دادگاه انقلاب مشهد به ریاست قاضی غلامرضا اکبری محاکمه شد. در [ویدیوی مستندی](#) که توسط رسانه‌های نزدیک به حکومت منتشر شد، [ادعا می‌شود](#) که او لیدری و هدایت اغتشاشگران در منطقه طبرسی مشهد را در جریان اعتراضات هجدهم و نوزدهم دی‌ماه بر عهده داشته که منجر به مرگ چند نفر از ماموران امنیتی شده است. با اینحال در ویدیو، شهادی بر حضور او دیده نمی‌شود. در همین فیلم، بخش‌هایی از تصاویر ضبط شده و بریده شده که به نظر می‌رسد از موبایل ابراهیم دولت‌آبادی برداشته شده دیده می‌شود و همچنین فیلمی نیز از لحظه دستگیری او وجود دارد که نشان می‌دهد ماموران او را در حالت برهنه بازداشت کرده و حتی امکان پوشیدن لباس را نیز به وی ندادند. او همچنین به «دعوت مردم برای شرکت در اعتراضات» متهم شده بود.

براساس گزارش‌ها در زمان بازداشت، چند تن از اعضای خانواده‌اش، از جمله دو برادر و فرزند نوجوانش، نیز توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده‌اند. گفته می‌شود فرزند او اخیراً آزاد شده، اما دو برادرش همچنان در بازداشت به سر می‌برند.

محمدرضا میری: ۲۱ ساله، به همراه مهدی رسولی در تاریخ چهاردهم اردیبهشت ۱۴۰۵ اعدام شد. در ویدیویی که پس از اعلام خبر اعدام او توسط رسانه‌های نزدیک به حکومت منتشر شد، فیلم کوتاهی از او در خیابان دیده می‌شود که احتمالاً از موبایل وی ضبط شده است. او متهم بود که در مرگ ماموری به نام «حمیدرضا یوسفی‌نژاد» در خیابان طبرسی دست داشته است. در گزارشی که توسط خبرگزاری جمهوری اسلامی منتشر شده نیز در چند مورد به فیلم‌های یافت شده در موبایل او اشاره شده است، با اینحال حتی در این گزارش نیز شواهدی مبنی بر اینکه او در کشته شدن مامور نقشی داشته وجود ندارد.

مهدی رسولی: ۲۵ ساله، در تاریخ چهاردهم اردیبهشت ۱۴۰۵ اعدام شد. او متهم بود که در کشته شدن ماموری با نام «حمیدرضا یوسفی» نقش داشته است. در ویدیویی که از دادگاه او و محمدرضا میری منتشر شده، او می‌گوید که با چاقو دو ضربه به کتف مامور وارد کرده، اما افراد زیادی در محل حضور داشته و هرکدام ضرباتی را وارد کردند. مشخص نیست دادگاه چگونه به این جمع‌بندی رسیده است که ضربات وارد شده توسط «مهدی رسولی» منجر به مرگ این مامور شده است. از این پرونده پیش از اجرای حکم اعدام تنها نام «ابراهیم دولت‌آبادی» به سازمان‌های حقوق بشری رسیده بود آنهم زمانی که حکم اعدام او در دیوان عالی تایید شده و او در صف اعدام قرار داشت. هویت «مهدی رسولی» و «حمیدرضا یوسفی» تا

زمان اعدام، نامشخص بود و حتی پس از اعدام نیز اطلاعاتی بیش از آنچه در رسانه‌های نزدیک به حکومت منتشر شده در مورد آنان وجود ندارد.



محمد عباسی: حکم اعدام محمد عباسی، معترض دستگیرشده در جریان اعتراضات دی‌ماه در ملارد، که به قتل سرهنگ «شاهین دهقانی‌نیا» متهم شده بود، در روز ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۵ اجرا شد. این حکم توسط شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور تایید شده بود. دادگاه رسیدگی به اتهامات این شهروند، در روز هفت بهمن ۱۴۰۴ برگزار شد. براساس گزارش‌های منتشرشده از جلسه دادگاه، قاضی، متهم ردیف اول این پرونده «محمد عباسی» فرزند غلامحسین را به مباشرت و همکاری با اسرائیل، دولت آمریکا و گروه‌های متخاصم و عوامل وابسته به آنها متهم کرد که منتهی به کشته شدن مامور کلانتری، سرهنگ شهید شاهین دهقانی کاکاوندی در اثر وارد آوردن ضربات متعدد سلاح سرد شده است.

در این پرونده «فاطمه عباسی»، دختر محمد عباسی نیز توسط شعبه پانزده دادگاه انقلاب به تحمل ۲۵ سال حبس محکوم شده بود که این حکم نیز در دادگاه تجدیدنظر تایید شده است و او هم‌اکنون در بند زنان زندان اوین زندانی است.



عباس اکبری فیض‌آبادی: حکم اعدام عباس اکبری فیض‌آبادی، از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۴۰۴، در روز دوشنبه ۴ خرداد ۱۴۰۵ در زندان مرکزی اصفهان، معروف به زندان دستگرد، اجرا شد.

بر اساس گزارش خبرگزاری میزان، رسانه رسمی قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران، عباس اکبری فیض‌آبادی، جوانی اهل شهرستان نائین در استان اصفهان، به اتهام «محاربه»، «تخریب عمدی اموال عمومی»، «اخلال در نظم و امنیت عمومی» و «تیراندازی با سلاح گرم» محکوم شده بود. بنا بر روایت قوه قضاییه، عباس اکبری فیض‌آبادی در اعتراضات روزهای ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه در نائین حضور داشته و متهم شده بود که به ساختمان‌های دولتی و برخی اماکن عمومی حمله کرده و با یک قبضه سلاح کمری کلت اقدام به تیراندازی کرده است.

معترضان در خطر اعدام:

پرونده مسجد پاکدشت:



بر اساس گزارش سازمان‌های حقوق بشری، حکم اعدام احسان حسینی‌پور حصارلو ۱۸ ساله، متین محمدی و عرفان امیری، ۱۷ ساله که در جریان اعتراضات دی ماه ۱۴۰۴ بازداشت شدند، در دیوان عالی کشور تایید و به اجرای احکام ارسال شده است و امکان اعدام قریب‌الوقوع آنان وجود دارد.

احسان حسینی‌پور حصارلو، متین محمدی و عرفان امیری در پرونده مرتبط به آتش‌سوزی مسجد پاکدشت بازداشت شدند. آنها در این پرونده در دادگاه انقلاب تهران با اتهاماتی از جمله «اقدام علیه امنیت داخلی»، «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور»، «مشارکت در قتل دو نفر»، «تحریق عمدی مسجد سیدالشهدا در پاکدشت» و «تخریب اموال عمومی» مواجه شده بودند. میلاد پناهی‌پور وکیل دادگستری در بهمن‌ماه ۱۴۰۴، در صفحه اینستاگرامش نوشته بود رئیس شعبه ۲۶ دادگاه از مانع اعلام وکالت او در پرونده احسان حسینی‌پور شده است. مساله‌ای که نشان می‌دهد متهمان از حق در اختیار داشتن وکیل انتخابی محروم هستند. پناهی‌پور همچنین گفت که احسان حسینی‌پور به‌عنوان متهم ردیف اول، تمامی اتهامات را رد کرده و گفته که اقرارهای منتسب به او تحت فشار و خشونت، «گذاشتن اسلحه در دهانش»، و در حالی که دستبند و پایبند داشته، اخذ شده است. او همچنین با رد دست داشتن احسان حسینی‌پور در آتش زدن مسجد که منجر به کشته شدن دو نفر شد، نوشته بود: «احسان ساعت ۲۱:۳۰ روز ۱۸ دی ۱۴۰۳ بازداشت شده، در حالی که آتش‌سوزی مسجد ساعت ۲۲:۳۰ همان شب آغاز شده است. به گفته او، تصاویر منتشر شده از حمله به مسجد ارتباطی با این متهم ندارد و بررسی دوربین‌های مدار بسته اطراف نیز حضور وی در محل را تأیید نمی‌کند. با این حال، بخش قابل توجهی از پرونده بر پایه اعتراضات اجباری تنظیم شده است.» در این پرونده همچنین یک زن به نام مریم هداوند، ۴۵ ساله و مادر دو فرزند نیز حضور دارد که توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شده است. او هم‌اکنون در بند زنان زندان اوین زندانی است اما مشخص نیست که آیا حکم او در دیوان عالی کشور تایید شده یا نه.

پرونده معترضان مروودشت، شیراز:



دادگاه انقلاب شیراز، در تاریخ یازده اردیبهشت ۱۴۰۵، چهار تن از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه را به اعدام محکوم کرد. براساس گزارش‌های منتشر شده، حمیدرضا فتحی، عبدالرضا فتحی، سعید زارعی کردشولی و حمیدرضا ثابت‌رای چهار نفری هستند که در ارتباط با اعتراضات در مروودشت دستگیر شده و توسط شعبه یک دادگاه انقلاب شیراز به ریاست قاضی سیدمحمود ساداتی به اعدام محکوم شده‌اند.

کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان، گروهی مستقل که شرایط دستگیرشدگان را دنبال می‌کند، در بهمن‌ماه گزارشی در مورد وضعیت سعید زارعی کردشولی منتشر کرده بود. براساس این گزارش او در تاریخ ۲۲ دی‌ماه ۱۴۰۴، در منزل خواهرش در شیراز دستگیر شد و در زمان بازداشت به شدت تحت شکنجه قرار گرفت به طوری که از ناحیه صورت، پاها و دنده‌ها دچار شکستگی‌های متعدد شده بود. اکنون گزارش‌های دیگر تایید می‌کنند که سایر متهمان این پرونده نیز در شرایطی مشابه تحت شکنجه قرار گرفته‌اند تا اتهام قتل « پنج مامور سپاه در جریان اعتراضات مروودشت » را بپذیرند.



محمدرضا طبری: شهروند دستگیرشده در جریان اعتراضات دی‌ماه در تهران، به زخمی کردن یک بسیجی متهم شد، و توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شد. در روز ۱۸ بهمن ماه ۱۴۰۴ خبرگزاری میزان، وابسته به قوه قضاییه، خبر و ویدیو برگزاری اولین جلسه دادگاه محمدرضا طبری را منتشر کرد. در این [گزارش](#) ادعا شده آقای طبری از «لیدرهای» اعتراضات بوده و «با در اختیار داشتن سلاح گرم» در شهرستان بهارستان شهرک اورین در روز ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۴، «یک نیروی حافظ امنیت را مجروح کرده».

طبق گزارش منتشر شده محمدرضا طبری، خودش را بعد از سه روز به پلیس معرفی کرده و در دادگاه گفت که به دلیل عذاب وجدان خودش را معرفی کرده است. با اینحال در هجدهم اردیبهشت، کانال توانا خبر داد که حکم اعدام او در دیوان عالی کشور تایید شده است. محمدرضا طبری به «محاربه از طریق کشیدن سلاح گرم به قصد ارباب مردم و نیروهای حافظ امنیت و همچنین اقدام عملیاتی به نفع گروه‌های سلطنت‌طلب وابسته به رژیم منحوس صهیونیستی و ایجاد رعب و وحشت عمومی از طریق تیراندازی به سمت نیروهای حافظ امنیت» متهم شد. او در شهرستان بهارستان محل زندگی‌اش به شغل نجاری مشغول بوده و پنجاه ساله است.

براساس گزارش توانا که در روز منتشر شد علاوه بر محمدرضا طبری دو شهروند دیگر به نام‌های «محمدرضا عبدالله‌پور» و «امیرمحمد زارع» نیز که در جریان اعتراضات دی‌ماه دستگیر شده‌اند، با تایید حکم اعدامشان در شعبه نهم دیوان عالی کشور در خطر اجرای حکم اعدام قرار دارند.

براساس گزارش‌ها محمدرضا عبدالله‌پور کارشناس بیهوشی شاغل در یکی از بیمارستان‌های تهران است که به دلیل کمک به یک مجروح دستگیر شده است. از اتهامات وی و روند دادرسی به پرونده او اطلاعات بیشتری موجود نیست. طبق گزارش توانا این دو زندانی به همراه محمدرضا طبری هم اکنون در زندان قزلحصار زندانی هستند.

در حالی که صدها نفر از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه همچنان در زندان به‌سر می‌پرند، بسیاری از آنان پس از محاکمه‌هایی که اغلب تنها چند دقیقه به طول انجامیده و در موارد متعدد به‌صورت ویدیویی برگزار شده است، با احکام سنگین حبس یا مجازات اعدام مواجه هستند. قطع اینترنت و محدودیت‌های شدید ارتباطی، عملاً بازداشت‌شدگان و خانواده‌های آنان را از دسترسی به نهادهای حقوق بشری، وکلا و رسانه‌های مستقل محروم کرده است.

در دو ماه و نیم گذشته و پس از آغاز جنگ، بسیاری از دادگاه‌هایی که به صدور احکام اعدام منجر شده‌اند، به‌صورت آنلاین برگزار شده‌اند. دادگاه‌های مجازی نخستین‌بار در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ در ایران رواج یافتند، اما پس از آن نیز ادامه پیدا کردند و به‌تدریج در پرونده‌های سیاسی و امنیتی مورد استفاده قرار گرفتند. در جریان اعتراضات «زن، زندگی، آزادی»، بسیاری از بازداشت‌شدگان گزارش کردند که جلسات دادگاه آنان از داخل زندان و به‌صورت ویدیویی برگزار شده، تنها چند دقیقه طول کشیده و هیچ فرصت واقعی برای دفاع در اختیار آنان قرار نداده است. اختلال‌های مکرر اینترنتی و نبود دسترسی محرمانه به وکیل، بیش از پیش حقوق متهمان را نقض کرده است.

اکنون نیز در شرایط جنگی و همزمان با تعطیلی یا اختلال در فعالیت بسیاری از مراکز قضایی، گزارش‌های رسیده از داخل ایران نشان می‌دهد که همین روند با شدت بیشتری ادامه یافته است. بسیاری از معترضان جوان که با احکام سنگین زندان یا اعدام روبه‌رو هستند، حتی فرصت حضور فیزیکی در برابر قاضی، ارتباط مؤثر با وکیل، بررسی ادله و مدارک علیه خود یا ارائه دفاعی مؤثر را نداشته‌اند.

فمننا با نگرانی عمیق روند رسیدگی قضایی به پرونده معترضان بازداشت‌شده در جریان اعتراضات دی‌ماه را دنبال می‌کنیم. صدور و اجرای شتابزده احکام اعدام، استفاده از اعترافات اجباری، محروم کردن متهمان از دسترسی به وکلای مستقل، گزارش‌های متعدد درباره شکنجه و برگزاری دادگاه‌های کوتاه، غیرعلنی و از راه دور، همگی نقض جدی حق دادرسی عادلانه و اصول بنیادین آیین دادرسی منصفانه بر اساس حقوق بین‌الملل بشر به‌شمار می‌روند.

استفاده از مجازات اعدام علیه معترضان و زندانیان سیاسی باید فوراً متوقف شود. تمامی بازداشت‌شدگان، به‌ویژه جوانانی که در ارتباط با اعتراضات بازداشت شده‌اند، باید از حق برخورداری از دادرسی عادلانه، شفاف و مستقل، دسترسی به وکیل منتخب خود و حمایت در برابر شکنجه و اعترافات اجباری برخوردار شوند.

مجازات غیرانسانی اعدام، به‌ویژه در پرونده‌های سیاسی و مرتبط با اعتراضات، باید از قوانین جمهوری اسلامی ایران حذف شود.

توصیه‌ها

فمننا از سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌ها و سازوکارهای حقوق بشری می‌خواهد:

- با فوریت از مقامات جمهوری اسلامی ایران بخواهند تمامی اعدام‌های مرتبط با اعتراضات ژانویه را متوقف کرده و اجرای مجازات اعدام را فوراً تعلیق کنند؛
- بر تضمین حق دادرسی عادلانه برای تمامی بازداشت‌شدگان، از جمله دسترسی به وکیل مستقل، برگزاری دادگاه‌های علنی و حفاظت در برابر شکنجه و اعترافات اجباری تأکید کنند؛

- خواستار انجام تحقیقات مستقل بین‌المللی درباره ادعاهای مربوط به شکنجه، ناپدیدسازی قهری و روندهای قضایی غیرمنصفانه علیه معترضان شوند؛
- پرونده بازداشت‌شدگانی را که در معرض خطر قریب‌الوقوع اعدام قرار دارند، به‌طور مستمر رصد کرده و درباره آن‌ها اطلاع‌رسانی عمومی کنند؛
- دولت ایران را برای رفع محدودیت‌های اینترنتی و پایان دادن به خاموشی‌های ارتباطی که مانع مستندسازی نقض حقوق بشر می‌شود، تحت فشار قرار دهند؛
- از سازمان‌های جامعه مدنی، روزنامه‌نگاران، وکلا و خانواده‌های بازداشت‌شدگان که در زمینه مستندسازی نقض حقوق بشر و پیگیری عدالت فعالیت می‌کنند، حمایت کنند؛
- اطمینان حاصل کنند که اعدام‌های با انگیزه سیاسی و سایر موارد نقض جدی حقوق بشر در ایران همچنان در اولویت سازوکارهای حقوق بشری سازمان ملل متحد و تعاملات دیپلماتیک بین‌المللی قرار داشته باشد.



- × [FemenaNet](#)
- f [FemenaNet](#)
- @ [FemenaNet](#)
- ▶ [FemenaNet](#)
- 🌐 www.femena.net

Femena works with partners to promote gender equality, inclusion, and peace; expand civic space; strengthen civil society and WHRD resilience; visibilize the work of WHRDs and progressive feminist movements; and foster solidarity and south-south cooperation in the South-West Asia and North Africa (SWANA) region. Femena's work is particularly focused on contexts, experiencing crisis, conflict, authoritarianism and closing civic space.